



نشریه دانشجویی بیداری

برسی جنگ دوازده روزه از منظر سیاسی، اقتصادی، حقوقی، بین المللی و روانشناسی



نشریه بیداری

«شماره پنجم | آبان ماه ۱۴۰۴»

شماره پنجم | آبان ماه ۱۴۰۴

شناسنامه

انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه شاهد

صاحب امتیاز:

مبین خوشحال پور

مدیرمسئول:

سارا نیکویی

سر دبیر:

امیرحسین برجلو، فاطمه امیر شجاعی،
علی اکبر حسن زاده، محمد حسین یحیائی،
فاطمه باطنی

هیئت تحریریه:

مهدی وفائی نژاد

ویراستار:

زهره سادات هاشمی

طراح و صفحه آرا:



بررسی جنگ دوازده روزه از منظر سیاسی، اقتصادی، حقوقی، بین المللی و روانشناسی

فهرست مطالب:

- ۱.....سخن سردبیر
- ۲.....بررسی جنگ دوازده روزه از منظر سیاسی
- ۳.....پیامدهای بین المللی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل
- ۶.....تحلیل اقدامات اسرائیل از منظر حقوق بین الملل
- ۸.....پیامد اقتصادی جنگ دوازده روزه بر کسب و کارهای خرد و میانی در حوزه فناوری
- ۱۰.....جنگ و رشد
- ۱۱.....منابع



سخن سردبیر

نویسنده: سارا نیکویی

سردبیر نشریه بیداری
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شاهد تهران



باشد که شما عزیزان در راه اعتلای ایران سرافراز گام برداشته و با علم و عمل استعداد های خود را شکوفا کنید نشریه بیداری با تلاش و همکاری جمعی از دانشجویان خوش ذوق نوشته شده تا با شما عزیزان در این مسیر هم قدم شود، امید است که هر واژه از نوشته های این نشریه بذری از علم و نگاهی جدید را در شما پرورش دهد

سخنی با همراهان بیداری:
در این شماره تلاش شده است، تا از ابعاد مختلف به جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل نگاه شود؛ جنگی که اشک ها و غم های فراوانی به بار آورد؛ اما همدلی را شکوفا کرد و عشق آفرید. حال ایران متحدتر از همیشه، همچنان ایستاده است و به پیش رو می نگرد.





بررسی جنگ دوازده روزه از منظر سیاسی

نویسنده: محمدحسین یحیائی

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
دانشگاه شاهد تهران



از اسرائیل، نشانگر عمق وابستگی تل آویو به واشنگتن بود. با وجود حملات محدود آمریکا به برخی مراکز هسته‌ای ایران، پاسخ متقابل جمهوری اسلامی در هدف قرار دادن پایگاه آمریکایی «العدید» در قطر، موازنه‌ای جدید را در معادلات قدرت منطقه‌ای ایجاد کرد. این اقدام، پیام روشنی برای واشنگتن داشت: ایران نه تنها در موضع دفاع نیست، بلکه در صورت لزوم می‌تواند بازدارندگی فعال را در برابر هر قدرت متجاوز اعمال کند. در سطح داخلی، مهم‌ترین پیامد جنگ، تجلی وحدت و انسجام ملی تنها حول یک مفهوم بود: وطن؛ پدیده‌ای که رهبرانقلاب بارها بر آن تأکید کردند. در شرایطی که دشمنان با محاسبات غلط، انتظار آشوب داخلی و فروپاشی روحیه اجتماعی را داشتند، ملت ایران با حضور گسترده در صحنه، عکس آن را رقم زد. اجتماعات مردمی، راهپیمایی‌ها و حمایت‌های صریح اقشار مختلف از نیروهای مسلح، چهره‌ای از «عقلانیت، شجاعت و وقت‌شناسی» ملت ایران را به نمایش گذاشت. این همبستگی ملی، پشتوانه‌ای برای قدرت نظامی کشور شد و عملاً پیروزی در میدان را ممکن ساخت. در بُعد دیپلماتیک نیز، دستگاه سیاست خارجی کشور توانست هم‌زمان با نبرد نظامی، مشروعیت بین‌المللی اقدام دفاعی ایران را تثبیت کند. وزیر امور خارجه در تماس‌های

جنگ دوازده روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی را می‌توان نقطه عطفی در مناسبات امنیتی و سیاسی غرب آسیا دانست. این درگیری نه تنها معادلات نظامی منطقه را دگرگون کرد، بلکه پیامدهای سیاسی، اجتماعی و روانی گسترده‌ای در داخل ایران و در سراسر منطقه بر جای گذاشت. از منظر سیاسی، نخستین و مهم‌ترین پیامد این نبرد، فروپاشی هیمنه‌ی امنیتی رژیم صهیونیستی بود. برای نخستین بار پس از دهه‌ها، شهرهای حیفا، تل آویو و اشکلون زیر آتش مستقیم موشک‌های ایرانی قرار گرفتند و شهروندان اسرائیلی طعم واقعی جنگ را چشیدند. جمهوری اسلامی ایران با عبور از لایه‌های متعدد پدافندی، توانست مراکز نظامی و اقتصادی حساس رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار دهد؛ رخدادی که نشان داد دوران برتری مطلق تل آویو در حوزه بازدارندگی نظامی به پایان رسیده است. این تحول، نه تنها افکار عمومی اسرائیل را دچار بحران روانی کرد، بلکه شکاف‌های سیاسی داخلی را نیز تشدید نمود و دولت نتانیاها را در موقعیتی شکننده قرار داد. از سوی دیگر، ورود مستقیم آمریکا به جنگ برای حمایت

در نهایت، این جنگ نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در هیچ عرصه‌ای - چه نظامی و چه دیپلماتیک - به‌عنوان طرف ضعیف وارد نمی‌شود. همان‌گونه که رهبر انقلاب تصریح کردند، ملت ایران از جنگ استقبال نمی‌کند، اما اگر مورد تهاجم قرار گیرد، پاسخش کوبنده و پشیمان‌کننده خواهد بود. پیروزی در این نبرد، نه صرفاً یک پیروزی نظامی، بلکه نشانه‌ای از بلوغ تاریخی و اجتماعی ملت ایران است؛ ملتی که توانسته است در میان طوفان تهدیدها، خود را به‌عنوان بازیگری تعیین‌کننده در معادلات آینده منطقه تثبیت کند. به بیان دیگر، جنگ دوازده‌روزه پایان یک نبرد نظامی بود، اما آغاز مرحله‌ای جدید از بازدارندگی راهبردی ایران در برابر آمریکا و اسرائیل است. این مرحله، بیش از هر چیز بر پایه‌ی سه عنصر شکل گرفته است: قدرت دفاعی، وحدت ملی و مشروعیت بین‌المللی. تا زمانی که این سه رکن در کنار یکدیگر باقی بمانند، امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی در برابر هر تهدیدی پایدار خواهد ماند.

گسترده با نهادهای بین‌المللی، بر حق ذاتی ایران در دفاع از تمامیت ارضی تأکید نمود و روایت جمهوری اسلامی از جنگ، در بسیاری از محافل منطقه‌ای و جهانی بازتاب یافت. حمایت شماری از دولت‌های اسلامی و حتی برخی کشورهای مستقل، نشانگر تغییر تدریجی نگاه به ایران در نظم نوین منطقه‌ای بود؛ ساختار امنیتی مبتنی بر هژمونی غرب است از منظر اجتماعی، جنگ دوازده‌روزه با وجود سختی‌ها و خسارات، روحیه‌ی امید و اعتماد به نفس را در جامعه تقویت کرد. واکنش آرام، متین و درعین حال مقتدر ملت ایران، نشان داد که جامعه ایرانی در برابر تهدیدها به بلوغ سیاسی رسیده است. تکبیر بانوی مجری تلویزیون در هنگام حمله دشمن، نماد همین روحیه جمعی بود؛ روحیه‌ای که از ایمان و اعتماد مردم به قدرت ملی سرچشمه می‌گیرد. تداوم این روحیه، نیازمند استمرار همبستگی، تقویت اقتصاد داخلی و بهبود خدمات اجتماعی است تا آثار روانی و معیشتی جنگ بر زندگی مردم کاهش یابد.

پیامدهای بین‌المللی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل

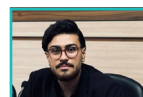
بلکه برای اثبات اراده ملی و توان بازدارندگی در برابر دشمنی که سال‌ها امنیت و ثبات منطقه را تهدید کرده بود. البته این نکته را باید افزود که برای طرف مقابل نیز، جنگ، جنگ بقا بود و اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی وجودی برای خود می‌دانست و در صدد نابودی آن بود. برای بررسی پیامدهای این جنگ می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سطح منطقه‌ای
۲. سطح بین‌المللی
۳. امنیت انرژی و اقتصاد جهانی
۴. نهادهای بین‌المللی و ضعف آن‌ها



نویسنده: امیرحسین برجلو

دانشجوی کارشناسی ارشد، دیپلماسی و سازمانهای بین‌المللی دانشگاه تهران



با آغاز هفت اکتبر و جنگ میان گروه مقاومت حماس و اسرائیل، و سپس ترورهای پی‌درپی اسرائیل، پس از کش‌وقوس‌های فراوان میان ایران و آمریکا بر سر مذاکرات هسته‌ای، نهایتاً در نیمه ژوئن ۲۰۲۵، تنش‌های انباشته میان ایران و اسرائیل به نقطه‌ای رسید که مهار دیپلماتیک از دست دو طرف خارج شد. در پی حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی و هسته‌ای ایران، زنجیره‌ای از پاسخ‌های موشکی و حملات متقابل آغاز شد که دوازده روز به طول انجامید. در ۲۵ ژوئن، با میانجی‌گری چند قدرت بین‌المللی از جمله قطر، آتش‌بس برقرار گردید.

در این جنگ، بیش از هزار نفر از نیروها و غیرنظامیان ایرانی جان خود را از دست دادند و در مقابل، علی‌رغم سانسور خبری شدید، ده‌ها شهروند اسرائیلی نیز در حملات تلافی‌جویانه ایران کشته و زخمی شدند. این جنگ کوتاه اما سنگین، نه تنها صحنه نظامی بلکه ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه را متأثر کرد و بازتابی وسیع در نظام بین‌الملل برجای گذاشت.

از منظر ایران، این جنگ کوتاه اما پرشدت، آزمونی وجودی بود؛ نه فقط برای دفاع از تمامیت ارضی،

روز جنگ، کشورهای حاشیه خلیج فارس با استفاده از سامانه‌های پدافندی که در اختیار آمریکا قرار داشت، به دنبال رهگیری موشک‌ها و پهپادهای ایران بودند. در سطح بین‌المللی، جنگ ۱۲ روزه تبدیل به آزمونی برای قدرت‌های جهانی و نهادهای چندجانبه شد. ایالات متحده به‌عنوان متحد راهبردی اسرائیل، میان حمایت از شریک خود و اجتناب از گسترش بحران و آسیب به منافع انرژی و امنیت منطقه‌ای گرفتار تناقض شد؛ البته ناگفته نماند که در طول ۱۲ روز، از کمک‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا نباید غافل شد. روسیه و چین نیز با مواضع محتاطانه اما همزمان با بهره‌گیری از فرصتی دیپلماتیک، موقعیتی کسب کردند که بهانه‌ای شد برای تقویت رویکردهای چندقطبی و کاستن از هژمونی مطلق غرب.

این کنش‌ها نشان داد که در نظام بین‌المللی در حال گذار، مدیریت هماهنگ بحران‌های منطقه‌ای کمتر ممکن است و در نتیجه، بازیگرانی با شبکه‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های غیررسمی بازدارنده می‌توانند فضای راهبردی را بازتعریف کنند. در جنگ ۱۲ روزه، چین و روسیه این احساس خطر را کردند و متوجه شدند که اگر غرب بتواند از ایران عبور کند، کشور بعدی خودشان هستند که گرفتار خواهند شد. در نتیجه، در این مدت شاهد کمک‌های نظامی فراوانی از سوی این دو کشور برای تقویت ایران بودیم (سامانه‌های پدافندی، انواع جنگنده‌ها)

در سطح منطقه‌ای، این منازعه نشانه‌ای از فروپاشی نظم شکننده خاورمیانه بود که پس از سال‌ها بازدارندگی غیرمستقیم میان تهران و تل‌آویو شکل گرفته بود. از دیدگاه ایران، حمله اسرائیل تجاوزی آشکار به حاکمیت ملی تلقی شد و تهران کوشید با پاسخ سریع و هدفمند، قدرت بازدارندگی خود را تثبیت کند. ایران توانست به‌وضوح نشان دهد که حتی تحت فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های نظامی، قادر به پاسخ مستقیم و دقیق است. این نمایش قدرت بازدارنده، پیام روشنی به همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای فرستاد که استقلال و حاکمیت ایران غیرقابل مذاکره است و هیچ تهدید خارجی نمی‌تواند اراده ملی را تضعیف کند. در مقابل، اسرائیل این حملات را دفاع پیش‌دستانه در برابر «تهدید هسته‌ای ایران» نامید. جنگ، الگوی سنتی «نبردهای نیابتی» را شکست و دو بازیگر اصلی را به مواجهه مستقیم کشاند.

این تحول، به‌ویژه برای کشورهای عربی منطقه، حامل پیام ژئوپولیتیکی تازه‌ای بود: ایران با وجود فشارهای تحریمی و محدودیت‌های نظامی، توانایی پاسخ مستقیم دارد و این امر می‌تواند موازنه قدرت را در منطقه بازتعریف کند. برخی دولت‌های عربی که پیش‌تر به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل حرکت کرده بودند، ناگزیر به ارزیابی مجدد هزینه‌ها و مزایای این روند شدند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که در طول ۱۲





شورای امنیت تنها به یک محکومیت ساده بسنده کرد، اگرچه می‌توانست قطعنامه‌ای شدید علیه اسرائیل صادر کند. البته این محکومیت‌ها اگر فایده‌ای داشت، از درگیری‌ها و جنایت‌های قبلی اسرائیل جلوگیری می‌کرد با این وجود، این پرسش اساسی همچنان پابرجاست: آیا ایران برای تضمین امنیت خود باید به سمت توسعه سلاح هسته‌ای حرکت کند؟

پاسخ این سؤال را باید در منطق بازدارندگی و هزینه‌های ژئوپولیتیکی جست‌وجو کرد. سلاح هسته‌ای می‌تواند سطحی از بازدارندگی را ایجاد کند. اما در عین حال، خطر تحریم‌های فراگیر، انزوای بین‌المللی و حتی اقدام پیش‌دستانه دشمنان را افزایش می‌دهد. جنگ ۱۲ روزه نشان داد که قانون جنگل بر دنیا حاکم است و نظام بین‌الملل آنارشیک می‌باشد. دشمن درجه اول اسرائیل، ایران است و ایران را تهدیدی وجودی برای خود می‌بیند. در این نظام آنارشیک، باید به دنبال افزایش قدرت بود. بدون قدرت نظامی برتر، موجودیت یک کشور در خطر خواهد بود. اگر قدرت را افزایش دهید، یک بازیگر تأثیرگذار محسوب می‌شوید؛ هم تهدیدهای دیگر خنثی می‌شوند و می‌توانید با سایر کشورهای جهان مراوده داشته باشید بر اساس دیدگاه بنده، ایران اگر دارای سلاح هسته‌ای است باید از آن رونمایی کند، و اگر سلاح هسته‌ای ندارد، باید هرچه سریع‌تر به دنبال ساخت آن برود. رژیمی که به دنبال گسترش سرزمین خود است و حمایت متحدان غربی را دارد، این احتمال وجود دارد که مجدداً جنگی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کند، زیرا می‌خواهد مأموریت ناتمام خود را به پایان برساند. اگر ایران مجهز به سلاح اتمی شود، خواهید دید که چگونه کشورهای حاشیه خلیج فارس همگی به دنبال سرمایه‌گذاری و تجارت با ایران خواهند بود. این نکته را فراموش نکنید: شاهراه رشد اقتصادی از قدرت می‌گذرد در نهایت، جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تصویری آشکار از بازآرایی قدرت در خاورمیانه و شکنندگی نظم بین‌المللی موجود ارائه داد. از دیدگاه اسرائیل، این جنگ تلاشی برای احیای بازدارندگی در برابر ایران بود؛ از نگاه ایران، اثباتی بر توان دفاعی و حق حاکمیت ملی

نتیجه اما فراتر از مرزهای دو کشور رفت. این بحران نشان داد که در جهان در حال گذار از تک‌قطبی به چندقطبی، هیچ قدرتی نمی‌تواند امنیت خود را جدا از امنیت دیگران تعریف کند. برای ایران، چالش اصلی آینده نه در عرصه نظامی، بلکه در یافتن توازن میان استقلال راهبردی و تعامل هوشمندانه با نظام بین‌الملل خواهد بود. توازنی که اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند ایران را از یک بازیگر واکنشی به یک قدرت نظم‌ساز در منطقه تبدیل کند؛ جایگاهی که شایسته تاریخ، ظرفیت‌ها و منافع ملی کشور است

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این جنگ، تأثیر آن بر امنیت انرژی و اقتصاد جهانی بود. با گسترش درگیری و ترس از بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در صادرات نفت خلیج فارس، این جنگ موجب جهش قیمت نفت و افزایش نوسانات بازارهای جهانی شد. برای ایران، این تحولات دو وجه داشت: از یک سو، افزایش قیمت نفت می‌توانست تا حدی فشار تحریم‌ها را جبران کند؛ از سوی دیگر، تشدید درگیری‌ها خطر انزوای اقتصادی را افزایش می‌داد

در سطح کلان، بحران انرژی بار دیگر نشان داد که امنیت خاورمیانه هنوز متغیری تعیین‌کننده در ثبات اقتصاد بین‌الملل است. از طرف دیگر، می‌توان به تنگه باب‌المنندب اشاره کرد که در اختیار یکی از نیروهای نیابتی ایران (حوثی‌های یمن) است و در طول جنگ ۱۲ روزه می‌توانست خسارت‌های زیادی برای کشورهای جهان از طریق هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری به وجود آورد و تجارت و اقتصاد جهانی را مختل کند در حوزه نهادهای بین‌المللی، عملکرد شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انتقادات جدی روبه‌رو شد. واکنش کند و ناهماهنگ سازمان ملل در برابر حملات اولیه اسرائیل، پرسش‌هایی درباره مشروعیت و کارآمدی نظام امنیت جمعی برانگیخت. ایران نیز همکاری خود با آژانس را به‌طور موقت محدود کرد، بازرسان آژانس را اخراج کرد و برخی چهره‌های سیاسی در تهران خواستار بازنگری در عضویت کشور در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) شدند. از منظر تهران، ناکامی نظام بین‌الملل در تضمین امنیت ایران، مشروعیت این پیمان را زیر سؤال برده است

در مقابل، غربی‌ها هشدار دادند که خروج ایران از NPT پیامدهای فاجعه‌باری برای ثبات جهانی خواهد داشت. با این حال، در سطح تحلیلی باید اذعان کرد که تهدید به خروج از NPT برای ایران نشانه اراده فوری برای تولید سلاح هسته‌ای نیست، بلکه ابزاری برای فشار سیاسی و راهبردی است تا مخاطبان بین‌المللی را به درک ضرورت تضمین امنیت ایران وادارد. نباید از این نکته غافل شد که سازمان‌های بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل شدند، در پی تأمین منافع کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم و کشورهای غربی هستند. به‌عنوان مثال، شورای امنیت که وظیفه اصلی آن حفظ صلح و امنیت است، آیا به وظایف خود عمل می‌کند؟ یا منافع کشورهای غربی از جمله آمریکا و اسرائیل را تأمین می‌کند؟ شورایی که تا قطعنامه‌ای علیه جنایت‌های اسرائیل صادر می‌شود، به‌وسیله آمریکا یا دیگر متحدانش وتو می‌شود. با این رفتار دوگانه‌ای که از شورای امنیت یا سازمان ملل متحد مشاهده می‌کنیم، از مشروعیت و مقبولیت آن‌ها نزد کشورهای عضو کاسته می‌شود. در جنگ ۱۲ روزه که آغازگر آن اسرائیل بود،



تحلیل اقدامات اسرائیل از منظر حقوق بین الملل

نویسنده: علی اکبر حسن زاده

دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه شاهد تهران



بین‌المللی مطرح کرده‌اند. با این حال، نباید از حقوق بین‌الملل انتظار معجزه داشت؛ نقض قواعد در هر نظام حقوقی وجود دارد، همانند حقوق جزا که با وجود قدمت طولانی، جرایمی مانند سرقت و قتل همچنان رخ می‌دهد. حقوق بین‌الملل، علی‌رغم نیاز به تکمیل و ترمیم، ابزار مهمی برای احقاق حق است و کشورها باید از تمام ابزارهای سیاسی، نظامی و حقوقی استفاده کنند. این یادداشت به تحلیل علمی این رویداد می‌پردازد و آن را به دو بخش اصلی تقسیم می‌کند: تحلیل اقدامات اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل و اصول نقض‌شده توسط طرف مهاجم

در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (معادل ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵)، اسرائیل حملات گسترده‌ای علیه تمامیت ارضی و سیاسی ایران آغاز کرد که منجر به شهادت ۱۰۶۲ نفر، از جمله ۱۴۰ کودک و زن، و مجروحیت ۵۸۰۰ نفر شد. این رویداد، که به عنوان جنگ تحمیلی دوازده‌روزه شناخته می‌شود، بحث‌های گسترده‌ای در زمینه حقوق بین‌الملل به راه انداخت. بسیاری از تحلیل‌ها این اقدامات را مغایر با اصول حقوق بین‌الملل می‌دانند و پرسش‌هایی در مورد کارایی سازوکارهای



اصل منع تهدید یا توسل به زور، یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است که در ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ تعریف شده و جهان‌شمول است. توسل به زور شامل استفاده از نیروی نظامی برای حل اختلافات است و تنها استثناهایی مانند دفاع مشروع دارد. قطعنامه ۳۳۱۴ سازمان ملل (۱۹۷۴) تجاوز را به عنوان استفاده از نیروی مسلح علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور تعریف می‌کند و مصادیقی مانند تهاجم، بمباران و حمله مسلحانه را شامل می‌شود. اقدامات اسرائیل، از جمله بمباران و حملات مسلحانه، دقیقاً با این مصادیق تطابق دارد و بنابراین تجاوز محسوب می‌شود.

علاوه بر این، جنگ بر اساس تعریف حقوق بین‌الملل شامل عناصر سازمانی، مادی (اقدام نظامی)، معنوی (قصد جنگ) و هدف‌دار بودن است. اسرائیل همه این عناصر را دارا بود: سازمان‌یافته بود، اقدام مسلحانه انجام داد، مقدماتش قصد را اعلام کردند و هدف تحمیل محدودیت بر برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را داشت. بنابراین، اسرائیل آغازگر جنگ بود در مورد دفاع مشروع، ماده ۵۱ منشور ملل متحد آن را تنها پس از وقوع حمله مسلحانه مجاز می‌داند، با شرایط ضرورت و تناسب. اسرائیل به دفاع مشروع پیش‌دستانه (پاسخ به حمله قریب‌الوقوع) و پیشگیرانه استناد کرد، اما این مفاهیم در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده‌اند. رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری (مانند قضیه سکوها‌های نفتی و فعالیت‌های نظامی در نیکاراگوئه) نیز آن را رد می‌کند. هیچ حمله مسلحانه مستقیم از سوی ایران وجود نداشت و ادعای تهدید قریب‌الوقوع اثبات‌نشده بود. توجیهات اسرائیل در نامه به شورای امنیت شامل تهدید هسته‌ای ایران، حملات نیابتی (حزب‌الله، حماس) و حملات مستقیم ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ بود. اما این حملات ایرانی پاسخ به اقدامات اسرائیل بودند و حملات نیابتی بدون مدرک اثبات‌شده به ایران نسبت داده نمی‌شوند. تهدیدات شفاهی نیز نمی‌تواند مبنای دفاع مشروع باشد. آمریکا نیز به دفاع مشروع دسته‌جمعی (ماده ۵۱) استناد کرد و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را ضروری برای حفاظت از منافع و اسرائیل دانست. اما بدون حمله مسلحانه اولیه، این استناد نامعتبر است. آمریکا ادعای ناکارآمدی دیپلماسی را مطرح کرد، اما خود ترامپ در ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و مذاکرات اخیر ناگهان متوقف شد.

ادعای حملات نیابتی بدون اثبات مسئولیت ایران بی‌اساس است. داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز نیز خطر ذاتی نیست و

ایران تحت نظارت آژانس اتمی عمل کرده است. اصول و قواعد بین‌المللی نقض‌شده با امعان نظر در وقایع رخ داده، موارد زیر به عنوان مصادیق نقض اصول و قواعد بین‌المللی قابل استناد است:

- نقض اصول منشور ملل متحد:

رژیم صهیونیستی با تجاوز نظامی، اصل ممنوعیت توسل به زور مندرج در ماده (۲) بند (۴) منشور را نقض نمود. همچنین با تعرض به حاکمیت ملی، اصل عدم مداخله مصرح در ماده (۲) بند (۷) منشور را زیر پا گذاشت. - نقض تعهدات بین‌المللی:

ایالات متحده آمریکا با ورود به مخاصمه، تعهدات ناشی از «بیانیه الجزایر» مصوب ۱۹۸۱ را در خصوص عدم مداخله نقض نمود

- نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی:

در چارچوب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول، موارد زیر مشهود است:

- نقض اصل تفکیک (ماده ۵۲) از طریق حملات عمدی به غیرنظامیان در مناطقی مانند چمران، تجریش، نارمک و لویزان - تخریب تأسیسات درمانی (بیمارستان‌ها) و مراکز رسانه‌ای (سازمان صدا و سیما)

- نقض ماده ۵۱ در خصوص الزام به حمایت از غیرنظامیان

- نقض ماده ۵۶ در مورد ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای (شامل سایت‌های فردو، نطنز و اصفهان)

- ایجاد خسارت زیست‌محیطی گسترده در نقض ماده ۳۵ پروتکل اول

- نقض قواعد عرفی بین‌المللی:

ترور شخصیت‌های علمی (دانشمندان هسته‌ای) و اصحاب رسانه (خبرنگاران)، نه تنها نقض اصل تفکیک، بلکه نقض صریح ماده ۷۹ پروتکل اول محسوب می‌گردد

- نقض قطعنامه‌های شورای امنیت:

قطعنامه ۱۷۳۸ (۲۰۰۶) شورای امنیت که حمله به رسانه‌ها را محکوم می‌نماید، توسط رژیم صهیونیستی نادیده گرفته شد با توجه به موارد مذکور، کلیه اقدامات یادشده در زمره جرایم بین‌المللی (جنایات جنگی) نیز قابل تعقیب می‌باشد

نتیجه‌گیری

در خاتمه باید اذعان داشت که اقدامات و رفتارهای ارتكابی رژیم صهیونیستی و متعاقباً حمایت و تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا، در تعارضی آشکار و بنیادین با موازین و اصول حقوق بین‌الملل قرار دارد. همچنین، این منازعه و وقایع ناشی از آن، سبب گردید تا فصل نوینی در عرصه مناسبات بین‌المللی گشوده شود و همزمان، همان پرسش و چالش دیرپا در خصوص میزان کاربست قواعد حقوق بین‌الملل را مجدداً به وجود آورد

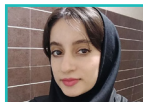
عدم امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود حقوقی که عمدتاً ناشی از موانع صلاحیتی است، یکبار دیگر مؤید این واقعیت بود که حقوق بین‌الملل برای ایفای نقش مؤثرتر، نیازمند تکمیل و توسعه است. شاید این تحولات، زنگ هشدار باشد مبنی بر اینکه مبانی و قواعد حقوقی فعلی، پاسخگوی چالش‌ها و رویدادهای پیچیده بین‌المللی نبوده و مستلزم بازنگری‌های اساسی و بنیادین می‌باشد؛ چرا که اگر حقوق بین‌الملل درصدد تحقق هدف اصلی خود، یعنی استقرار و استمرار صلح و امنیت بین‌المللی است، باید با تحولات جهانی همگام گردد و از پویایی لازم در عین برخورداری از انسجام کافی بهره‌مند باشد.



پیامد اقتصادی جنگ دوازده‌روزه بر کسب‌وکارهای خرد و میانی در حوزه فناوری

نویسنده: فاطمه امیرشجاعی

دانشجوی کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبائی



جنگ دوازده‌روزه میان ایران و اسرائیل، تنها یک درگیری نظامی نبود؛ بلکه به‌نوعی یک شوک اقتصادی و فناورانه برای کشور محسوب می‌شود. در این میان، کسب‌وکارهای خرد و میانی فعال در حوزه فناوری بیشترین آسیب را دیدند. این شرکت‌ها که اغلب توسط جوانان خلاق و متخصص اداره می‌شوند، به دلیل وابستگی به زیرساخت‌های ارتباطی، بازارهای جهانی و پلتفرم‌های خارجی، در برابر بحران‌های سیاسی و امنیتی بسیار آسیب‌پذیرند.

ریشه‌های بحران

- تشدید تحریم‌ها: سال‌ها تحریم باعث شده بود شرکت‌های فناور ایرانی نتوانند به‌طور پایدار با بازارهای جهانی ارتباط برقرار کنند. با شروع جنگ، این تحریم‌ها شدیدتر شد و دسترسی به ابزارهای توسعه، خدمات ابری و پلتفرم‌های بین‌المللی محدودتر گردید.

- افزایش تنش و تهدید امنیتی: فضای روانی ناشی از جنگ باعث شد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از حوزه فناوری عقب‌نشینی کنند. شرکت‌ها با کاهش نقدینگی و توقف پروژه‌ها مواجه شدند.

- قطع اینترنت و محدود شدن ارتباطات: در برخی مناطق، اینترنت بین‌المللی دچار اختلال شد. این موضوع برای شرکت‌هایی که خدمات آنلاین ارائه می‌دادند یا با مشتریان خارجی در ارتباط بودند، فاجعه بار بود.

- نبود جایگاه در زنجیره جهانی فناوری: به دلیل تحریم و نبود



و اقتصادی باعث شد کارآفرینان جوان انگیزه خود را برای ادامه فعالیت از دست بدهند

راهنمدها و پیشنهادهاى راهبردى

۱. اتصال پایدار به اینترنت جهانی و تقویت شبکه‌های داخلی
۲. اعطای تسهیلات کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی و ایجاد صندوق‌های حمایتی برای شرکت‌های کوچک و متوسط در حوزه فناوری.
۳. تعامل با کشورهای همسایه و بلوک‌های منطقه‌ای برای ورود به زنجیره جهانی فناوری و کاهش وابستگی به غرب.
۴. ارائه مشوق‌های ماندگاری، فرصت‌های آموزشی و حمایت از پروژه‌های نوآورانه برای جلوگیری از مهاجرت نیروهای متخصص.
۵. کاهش بوروکراسی، شفاف‌سازی مقررات و مشارکت دادن بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های کلان

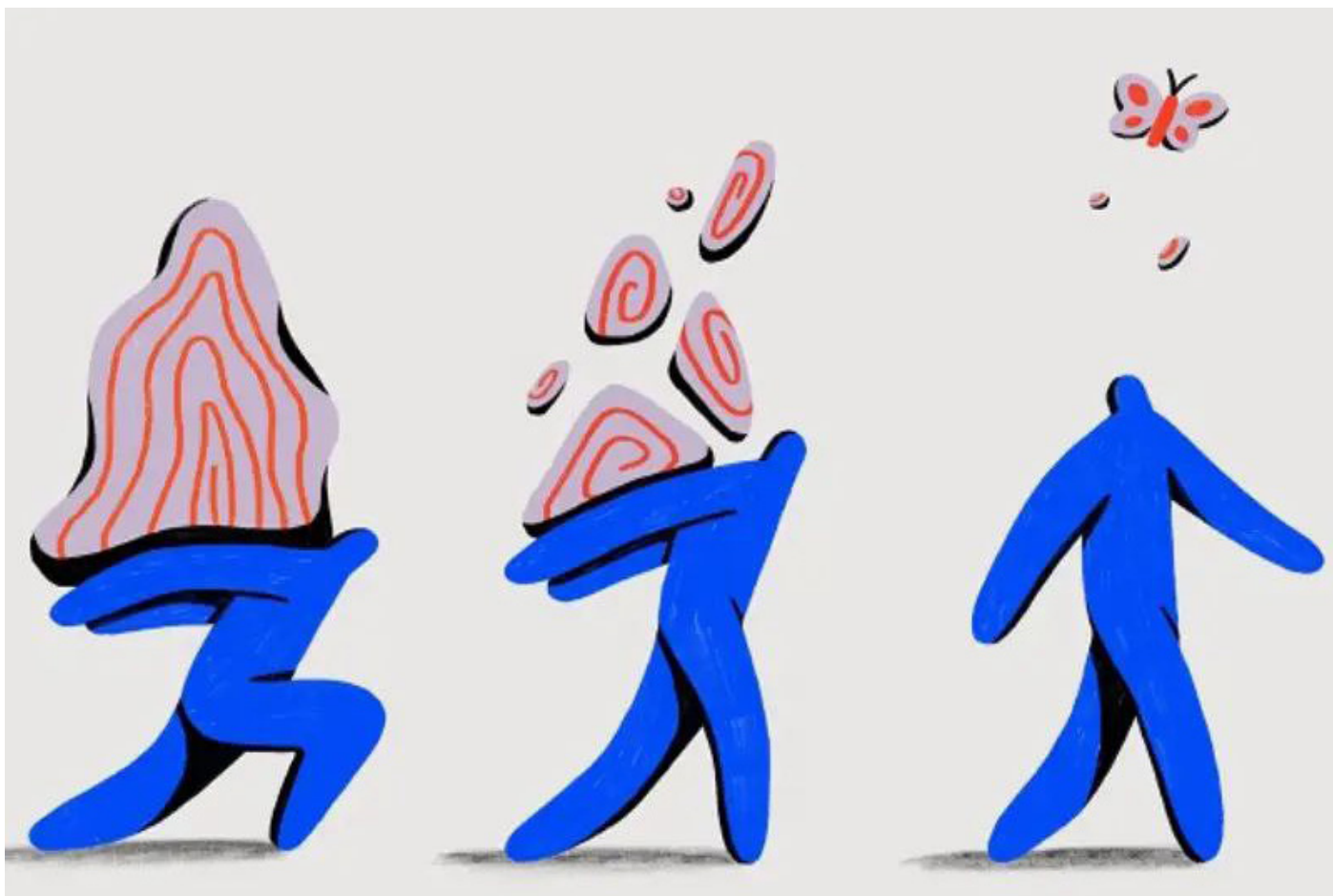
دیپلماسی فناوریانه، شرکت‌های ایرانی در زنجیره تأمین جهانی حضور مؤثری نداشتند.

در شرایط بحران، این انزوای به قطع کامل ارتباطات منجر شد. پیامدهای اقتصادی کسب‌وکارهای فناور

- تعدیل نیرو و مهاجرت نخبگان: بسیاری از شرکت‌ها مجبور شدند نیروهای خود را کاهش دهند. متخصصان جوان و بااستعداد، به دلیل ناامیدی از آینده، تصمیم به مهاجرت گرفتند.

- توقف صادرات و همکاری‌های بین‌المللی: شرکت‌هایی که محصولات نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری صادر می‌کردند، به دلیل قطع ارتباطات و محدودیت‌های لجستیکی، بازارهای خود را از دست دادند.

- افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد: نوسانات ارزی، تورم و اختلال در تأمین قطعات، هزینه‌های تولید را بالا برد. در مقابل، درآمدها کاهش یافت و بسیاری از شرکت‌ها به مرز تعطیلی رسیدند. - افزایش بی‌اعتمادی به آینده کسب‌وکار: نبود ثبات سیاسی



جنگ ورشد

نویسنده: فاطمه باطنی

دانشجوی کارشناسی روانشناسی
دانشگاه شاهد تهران



که مدام و مدام مورد بازسازی ذهنی قرار می‌گیرد و مغز به‌طور ناگهانی در برابر این تجربه-که برای فرد بسیار واقعی تلقی می‌شود-واکنش روانی و جسمی ساطع می‌کند. این تجربه اصطلاحاً «تروما» و آسیب پس از آن، «اختلال استرس پس از سانحه» (PTSD) نامیده می‌شود.

اگر در اطرافیان شخصی را مشاهده کردید که دارای یکی از علائم زیر باشد، صحبت با روان‌شناس را به او پیشنهاد دهید: - در معرض مستقیم آسیب باشد: یعنی شخصاً رویداد تلخی را تجربه کرده باشد

- در معرض آسیب غیرمستقیم باشد: یعنی تجربه از طریق مواجهه مکرر با فاجعه یا اخبار آن شکل گرفته باشد.

- بیش‌ازحد تحریک‌پذیر باشد یا از گفت‌وگو درباره شرایط اجتناب کند

اما در این میان باید به این نکته اشاره کنیم که هر تجربه ممکن است برای تمامی افراد منجر به اختلال نشود و افراد بر اساس آن، نشانه‌هایی از آسیب و تروما را به‌صورت متفاوتی نشان دهند

یکی دیگر از واکنش‌ها در برابر آسیب‌های عمومی مانند جنگ، «رشد پس از سانحه» (PTG) است. به این معنا که فرد پس از تجربه یک تروما، معنای عمیق‌تری از زندگی خود را کشف می‌کند

شاید تا پیش از تابستانی که گذشت، جنگ برای ما فقط شبیه به خاطرات پدر بود یا صحنه‌هایی که در فیلم‌های جنگی دیده بودیم. اما این تابستان فرق داشت؛ با دیدن اولین موشک، شنیدن صدای اولین انفجار و دریافت اولین خبر. و حالا، حتی با اینکه اصطلاحاً همه‌چیز تمام شده است، می‌شنویم از دوستان و فامیل که: - گاهی خوابش را می‌بینم - با هر صدایی از جا می‌پریم - دیگر نمی‌گذارم بچه‌ها از من دور شوند و...

این رویداد تا حدی طبیعی است، چرا که جنگ-چه هشت ساله و چه دوازده‌روزه-مختل‌کننده و ویرانگر است و جزو ده رویداد نخست فهرست رویدادهای استرس‌زای زندگی است که روان بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید در زندگی با افرادی که از جنگ برگشته‌اند، تحت عنوان «جانبازان موجی» برخورد کرده یا در فیلم‌ها و کتاب‌ها نشانه‌ای از آن‌ها دیده باشید. بسیاری از این افراد تحت تأثیر موج انفجار قرار نگرفته‌اند، بلکه در سراسر زندگی، تحت تأثیر صحنه‌های تلخی قرار گرفته‌اند



و به درک ژرفتری از آسیب‌های خود می‌رسد. از نشانه‌های این رشد می‌توان به روابط انسانی عمیق‌تر، افزایش احساس قدرت شخصی و رشد فلسفی و علمی اشاره کرد. شاید پس از این ایام، به افرادی برخوردی باشید که مدام می‌گویند:

- حالا قدر امنیت را دانستم.
- چقدر از ایرانی بودن خودم لذت بردم.
- با هر سلیقه و عقیده‌ای، ما یک خانواده بزرگ هستیم.

نکته آن‌که رشد پس از سانحه، نفی رنج نیست؛ و بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که PTSD می‌تواند زمینه‌ی رشد را فراهم کند. گویی این تجربه، فرصتی دوباره برای معنابخشی به زندگی است. چرا که یکی از ملاک‌های مهم برای رشد پس از سانحه، حمایت اجتماعی و هدف جمعی است. و این‌طور که به نظر حقیر رسیده، گویا همه‌ی ما به این «رشد پس از سانحه‌ی جمعی» نیازمند بودیم.





منابع:

۱. شعبانی، امیر (۱۳۸۸). اختلال استرس پس از جنگ در ادبیات پژوهشی ایران. شماره ۴

۲. American Psychiatric Association (۲۰۲۲). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (۵th ed., text rev.; DSM-۵-TR). American Psychiatric Publishing

۳. ChatGPT

۴. Holmes, T. H., & Rahe, R. H. (۱۹۶۷). The Social Readjustment Rating Scale. Journal of Psychosomatic Research, ۲۱۸-۲۱۳, (۲) ۱۱

نشریه دانشجویی بیداری

«شماره پنجم | آبان ماه ۱۴۰۴»



نشریه بیداری